

رمز تکرار عدالت در فرموده علی (ع)

دکتر سید جعفر شهیدی

رمز تکرار عدالت
در فرموده علی (ع)

چکیده

۷۶

عدل در نزد امامیه جزو اصول مذهب است، و این بدان مفهوم است که خداوند هر چه فرموده و هر حق که برای هر کس قرار داده، بر اساس عدل است.

قرآن کریم نیز بر عدالت پای فشرده است و رسول خدا نیز مظهر کامل عدل و عدالت بود. در نهج البلاغه از این مفهوم بسیار یاد شده است و تأکید نهج البلاغه بر عدالت، بسیار بیشتر از قرآن و سنت است. این بدان دلیل است که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، از یک سوی سیل درآمدها به خزانه مسلمین سرازیر شد و از دیگر سوی تبعیض‌هایی از سوی خلفا در تقسیم درآمدها بین اقشار مردم صورت گرفت؛ بنابراین اختلاف طبقاتی شدید در اقشار جامعه حکم فرما شد.

امام علی (ع) با دو پدیده روبه‌رو بود:

۱- او خود مرد عدالت و تقوی بود.

۲- با مردمی روبه‌رو بود که سنت و سیره رسول خدا را ندیده و نمی‌شناختند و نشانی از عدالت در جامعه مسلمین نمی‌دیدند. بنابراین، میان جامعه و عدالت فاصله افتاده بود. این است که امام علی (ع) بیشترین تلاش را در به‌کارگیری عدالت نمود.

کلید واژه‌ها

عدل، عدالت، قرآن، سنت، علی (ع)

عارف وارسته و عالم در عزلت نشسته، حضرت آقای آشتیانی - دامت افاضاته - را بیش از نیم قرن است می‌شناسم و به او ارادت دارم. سال ۱۳۲۵، هنگام عزم تشریف به آستان قدس رضوی، مدتی در قم به سر بردم. در آن روزها جناب آشتیانی هم در آن شهر مقدّس به تحصیل مشغول بود و هنوز عمایه بر سر نگذاشته بود؛ اما به فضل و جهد و کوشش در راه تحصیل علم شهرت داشت. با این که کمتر کس در آن شهر دعاگو را می‌شناخت، به من لطف فراوان پیدا کرد. هر روز، و گاهی روزی دو بار به دیدنم می‌آمد. لطف ایشان به بنده و ارادت من به او ادامه یافت و طولی نکشید که دوران افاضت ایشان آغاز شد و آثار علمی‌شان پراکنده گردید و طالبان علم از مراتب فضل و فضیلت او آگاه گشتند. در مشهد هم با آن که دور از غوغا به سر می‌برد، بارها به دیدار او نایل گردیدم. خداوندش به سلامت بدارد. اکنون که ارادتمندان ایشان می‌خواهند جشن‌نامه‌ای برای ایشان منتشر کنند، این مقاله کوتاه را که درباره زندگی مولا امیرالمؤمنین است، تقدیم او می‌کنم.

در تعریف عدالت گفته‌اند: بخش کردن چیزی است به‌طور یکسان، و یا برابر داشتن همه را در یک چیز، و یا موازنه و برابری میان همه، خواه در امری مادی و خواه معنوی؛ و از نمونه دوم است آنچه از رسول(ص) روایت شده است:

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ».

یعنی:

«همه اجزای جهان با موازنه نهاده شده است؛ چنان که اگر چیزی از آن نابه‌جا و نامتناسب بود، نظم جهانی به هم می‌خورد.»

دکتر سید جعفر
شهیدی

۷۷

عدل از نظر امامیه چندان مهم است که جزء اصول مذهب به شمار آمده و معنی آن اقرار است بدان که خداوند هر چه فرموده و هر حق که برای هر کس نهاده، براساس عدالت است. عدالت در اسلام رکنی مهم است و در قرآن کریم کار به عدالت کردن، به تقوی دست یافتن است، که:

«اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مانده: ۸).

رسول اکرم(ص)، که خود مظهر کامل عدالت بود، در سراسر زندگانی پربرکت خویش می‌کوشید تا اصحابش کار به عدالت کنند و از عدالت به یک‌سو نشوند. هنگامی که نزد بنی قریظه رفت تا در پرداخت خون‌بهای دو تن از بنی سلیم از ایشان یاری خواهد و آنان در نمان توطئه کردند که او را از پا در آورند، خداوند رسول را آگاهی داد و این آیه درباره آنان نازل شد:

«وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰی اَلَا تَعْدِلُوا».

«مبادا به خاطر کینه‌ای که از زشت‌کاری یهود در دل دارید، زیاده‌روی کنید و کسی را به ناروا صدمه زنید.»

هنگامی که خالد، پسر ولید، را برای تبلیغ فرستاد و او مردمی از بنی جذیمه را بی‌جهت کشت،

۱. میان یهود و رسول خدا(ص) پیمان منعقد بود که در پرداخت خون‌بها یکدیگر را یاری رسانند.

رسول(ص) دست به دعا برداشت و گفت: خدایا، من از خالد بیزارم. سپس علی(ع) را فرستاد تا خون‌بهای کشته‌شدگان را بپردازد و مالی را که به ستم برده‌اند، پس دهد.

آنان که با سیره رسول اکرم(ص) آشنایی دارند، می‌دانند هنگامی که ایشان در مکه می‌زیست، مشرکان مکه او را بسیار آزرده‌اند. در مدینه نیز از آسیب زبانی و بغض نابخردان در امان نبود؛ اما برابر ستم آنان خشم نمی‌کرد و نفرین نمی‌نمود؛ بلکه گاهی از خدا می‌خواست آنان را راه‌نمایی کند. در بخش کردن غنیمت‌های نبرد حنین، هنگامی که یکی از قبیله تمیم، ملقب به ذوالخویصره، بدو گفت کار به عدالت کن، تو از عدالت به یک‌سو شده‌ای، برآشت و این تهمت را برنتافت و فرمود: وای بر تو، اگر من به عدالت نکنم، چه کسی عدالت خواهد کرد؟

آری؛ اسلام دین عدالت است و رسول خدا(ص) مجری و مظهر عدالت. او تا آنجا عدالت کرد که در واپسین روزهای زندگانی، در مسجد مدینه فرمود: هر کس را نزد من حقی است، برخیزد و درخواست کند.

چون قرآن بدو دستور داده بود بگوید:

«أَمِنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (شوری: ۱۵).

آنچنان که مسلمانان را فرموده است:

«وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸).

در قرآن کریم بیش از ده بار درباره کار کردن به عدالت سفارش شده است؛ عدالت با خود، عدالت میان خود و مردم، عدالت میان خود و خدا. این مختصری درباره عدالت و سفارش بدان در عصر پیغمبر بود و از همین مختصر می‌توان اهمیت عدالت را در اسلام دریافت.

اما در سخنان علی(ع)، خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه، بیش از سه برابر این مقدار را می‌بینیم. سفارش مردم در به کار بستن عدالت، سفارش والیان و مأموران که کار به عدالت کنند و از راه عدالت به دیگرسو نروند.

چرا تأکید به این مهم در سخنان علی بیش از قرآن کریم است؟ علت آن با شناخت جامعه اسلامی در سال سی و پنجم هجری به بعد روشن می‌شود. آنان که با تاریخ اجتماعی عربستان در آن روزگار آشنایند، می‌توانند به آسانی این دقیقه را دریابند.

یکی از مصداق‌های بی‌عدالتی، و می‌توان گفت مصداق بارز آن، افزون‌خواهی در مال و یا زیادطلبی در مقام است.

در زمان رسول(ص) مالی آن‌چنان نبود که بر سر آن بجنگند و اندک مالی هم که می‌رسید، بر همگان یکسان بخش می‌شد و آن که کاری را تعهد می‌کرد، مزدی نمی‌گرفت، یا بهتر بگوییم، مزدی نبود تا بگیرد؛ از تعهد کار، رضای خدا را می‌خواست در خدمت به مردم.

اما پس از رحلت رسول وضع این چنین نماند. از یک‌سو سیل درآمد از سرزمین‌های گشوده‌شده به خزانه دولت سرازیر شد و از سوی دیگر در بهره‌گیری از خزانه دولت مسلمانان را براساس زودتر و دیرتر پذیرفتن مسلمانی طبقه‌بندی کردند؛ در نتیجه دسته‌ای بی‌آن که کاری کرده باشند به بهره بیشتری دست یافتند.

در سال‌های نخستین حکومت خلیفه دوم زیان این کار آشکار نبود؛ اما با گذشت زمان، اثر آن

مشهود گردید، به تعبیر امروز فاصله عمیق طبقاتی میان مردم پدید آمد. تقوی که در عصر رسول و چندی پس از او ملاک برتری شناخته می‌شد، جای خود را به زر و زمین داد. از سوی دیگر، آتش هم‌چشمی‌های خانوادگی و رقابت نژادی، که زیر خاکستر مساوات اسلامی پنهان مانده بود زیانه زد، تمیمی بر مخزومی فخر می‌کرد و اموی بر هر دو و هر سه به یمانی تفاخر می‌نمودند. در اجتماعی این چنین، علی (ع) عهده‌دار خلافت گردید و چه زمان نامناسبی! خود او نامساعد بودن وضع را می‌دانست که گفت:

«مرا بگذارید و دیگری را به دست آرید، که ما پیشاپیش کاری می‌رویم که آن را رویه‌هاست و گونه‌گون رنگ‌هاست؛ دل‌ها برابر آن بر جای نمی‌ماند و خردها بر پای» (علی بن ابی طالب، خ ۹۲).
علی مرد عدالت و تقوا بود و این دو خصلت را همچون خصلت‌های دیگر در مکتب رسول خدا فرا گرفته. او می‌خواست بر مردمی که عدالت حکم برانند که بیشترین آنان از عدالت نامی می‌شنیدند و از تقوا نشانی نمی‌دیدند؛ مردمی که نه رسول خدا را دیده بودند و نه سنت او چنان که باید، می‌شناختند؛ از آن روز که در اجتماع درآمدند، با جنگیدن آشنا شدند و غنیمت به دست آوردن. آن دسته از یاران رسول هم که زنده بودند، سالیانی را گذرانده، خسته و فرسوده خوش داشتند از بیت‌المال بیشترین سهم را ببرند و زندگی آرامی را بگذرانند. میان آنان و عدالت فاصله‌ای پهناور پدید آمده بود. این است رمز تکرار عدالت و سفارش به کار بستن آن در سخنان علی (ع). اما آیا فرموده‌های او در دل مردم عصر او اثر کرد؟ می‌توان گفت در تنی چند بی‌اثر نبود؛ اما در بیشترین نه. چرا؟ چون علی می‌خواست هر کس آن اندازه که درخور است، بهره‌گیر؛ حالی که طبیعت بیشترین انسان‌نمایان به ستم گراینده‌تر است تا به عدالت.

علی نمونه عدل کامل بود و جهان آن روز عدالت را بر نمی‌تافت. علی را شهید کردند، عدالت را از میان بردند و ستم را بر جای آن نشانندند و همچنان بر جاست تا روزی که خدا خواهد آن را از میان بردارد.

منابع

قرآن کریم

علی بن ابی طالب. (۱۳۶۸). نهج البلاغه. گردآوری سید شریف رضی. ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.